

Civilizational Convergence: An Analysis of Sacrifice and Jihad in the Teachings of Buddha and Their Qur'anic Critique (Strategies, Principles, Objectives, and Characteristics)

Hojjatollah Mehrabi ¹  Ebrahim Rezaei Adriyani ²  Mohsen Barghikar ³  Hamid Elahidoost ⁴ 


1. Lecturer, Department of Qur'an and Hadith, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

2. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Studies, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran.

3. Lecturer, School of Islamic Sciences and Teachings, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran

4. Assistant Professor of Jurisprudence and Principles, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: mehrabi@miu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361>

Article History:

Received: 2024-06-29

Revised: 2025-03-05

Accepted: 2025-04-12

Online First: 2025-09-14

Keywords

Civilizational convergence,
Buddhist teachings,
sacrifice in Buddhism,
objectives of self-sacrifice in
Buddhism,
Qur'anic critique.

Type of Article:

Research

Abstract: Self-sacrifice on the battlefield is one of the life-giving themes emphasized in many human schools of thought. Examining this concept in living non-monotheistic traditions such as Buddhism-which still has a considerable number of followers-shows that a rational explanation of the Qur'anic teachings and the clarification and reinforcement of commonalities between Islam and Buddhism in relation to self-sacrifice can bring about significant civilizational convergence among their adherents. Investigating this issue requires an in-depth study of the foundations, objectives, and characteristics of self-sacrifice, since these three domains determine the quality and scope of defensive and sacrificial teachings within religions and traditions. Using a descriptive-analytical method, this study explores the general teachings of Buddhism in these three domains, explains their influence on the spirit of sacrifice and defense, and then critiques them in light of Qur'anic knowledge. The findings indicate that Buddhism, drawing upon the Four Noble Truths, the law of karma, and universal altruistic thought, regards the main strategy of self-sacrifice in war as granting concessions and offering one's interests to the aggressor in order to satisfy the enemy's material desires. The Qur'an, while acknowledging the principle of suffering in life and directing it wisely toward higher goals, critiques the Buddhist objectives, rejects the notion of the enemy's reformability in the Buddhist strategy, and instead affirms the necessity of active defense and sacrifice.

How to cite:

Mehrabi, H., Rezaei Adriyani, E., Barghikar, M., & Elahidoost, H. (2025/1404). Civilizational convergence: An analysis of sacrifice and jihad in the teachings of Buddha and their Qur'anic critique (strategies, principles, objectives, and characteristics). *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3), 71-94.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361>





همگرایی تمدنی؛ تحلیل ایثار و جهاد در آموزه‌های بودا و نقد قرآنی آن
(راهبردها، مبانی، اهداف و شاخصه‌ها)

دریافت: ۱۴۰۳-۰۴-۰۹
بازنگری: ۱۴۰۳-۱۲-۱۵
پذیرش: ۱۴۰۴-۰۱-۲۳
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۶-۲۳

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361> doi

مقاله: پژوهشی

چکیده

ایثارگری در میدان نبرد از جمله مقوله‌های حیات‌بخش در مکاتب انسانی است و در غالب آن‌ها بر آن تأکید شده‌است. بررسی این مقوله در آیین‌های زنده غیرتوحیدی همچون بودا که از پیروان قابل‌توجهی برخوردار است، نشان می‌دهد، تبیین منطقی آموزه‌های وحیانی قرآن و آشکارسازی و تقویت نقاط اشتراک دو آیین اسلام و بودا در مورد ایثارگری، می‌تواند همگرایی تمدنی قابل‌توجهی را در میان پیروان دو آیین به ارمغان بیاورد. بررسی این مسئله با این هدف، نیازمند پژوهشی عمیق در مبانی و اهداف و شاخصه‌های ایثارگری است؛ زیرا این سه حوزه، تعیین‌کننده کیفیت و حدود تعالیم دفاعی و ایثارگریانه ادیان و آیین‌هاست. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، کلیات تعالیم آیین بودا در سه حوزه مبانی و اهداف و شاخصه‌ها را مطالعه کرده و زمینه‌های تأثیرگذاری آن‌ها در روحیه ایثار و دفاع را تبیین نموده و سپس به نقد و بررسی آن‌ها بر اساس معارف قرآن پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، آیین بودا متأثر از حقایق چهارگانه، قانون کارما (رفتار) و اندیشه‌های فراگیر نوع‌دوستی، راهبرد اصلی ایثارگری در جنگ را بخشش و ایثار منافع به متخاصم و تأمین خواسته‌های او می‌داند و از این طریق به دنبال فرونشاندن عطش دشمنان به مادیات است. قرآن کریم با پذیرش اصل رنج در زندگی و جهت‌دهی حکیمانه آن به اهداف متعالی، اهداف مطرح در بودا را نقد می‌کند و اصلاح‌پذیری متخاصم در راهبرد بودا را مردود و دفاع و ایثارگری فعال را واجب می‌داند.

واژگان کلیدی: همگرایی تمدن‌ها، آموزه‌های بودا، ایثار در بودا، اهداف ایثارگری در بودا، نقد بودا.

استناد به مقاله:

مهربانی، حجت‌الله؛ و همکاران. (۱۴۰۴). همگرایی تمدنی؛ تحلیل ایثار و جهاد در آموزه‌های بودا و نقد قرآنی آن (راهبردها، مبانی، اهداف و شاخصه‌ها). فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۳)، ۷۱-۹۴.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361>

۱. مربی همکار گروه قرآن و حدیث، مجتمع عالی جامعه المصطفی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
mehrabim@miu.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، اصفهان، ایران.
۳. مربی مدرسه علوم و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمية، اصفهان، ایران.
۴. استادیار فقه و اصول، مجتمع عالی جامعه المصطفی، اصفهان، ایران.

@نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. صاحب امتیاز دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط Creative Commons Attribution 4.0 International توزیع شده است.



مکاتب و ادیان مختلف، اعم از الهی و غیرالهی، به طور خاص به مفهوم ایثارگری و جهاد به عنوان ابزارهای اصلی مقابله با تهاجم دشمنان و حفظ پیروان خود پرداخته‌اند. این مکاتب در بسیاری از موارد، مبانی و ضوابط و اهداف ایثارگری در مقابل دشمن را بر اساس مبانی اعتقادی و اخلاقی خود ارائه نموده‌اند. با این حال، برخی آیین‌ها به‌طور خاص به مسئله ایثارگری در دفاع و دشمن‌ستیزی نپرداخته‌اند. بنابراین، ضروری است با توجه به مبانی اعتقادی و فلسفی این آیین‌ها و نیز تعالیم اخلاقی موجود در آن‌ها، مسئله ایثارگری و دفاع به دقت بررسی شود. از طرفی، کمبود مطالعات جامع در زمینه اندیشه‌های نظامی و دفاعی در مکاتب و ادیان مشهور جهانی که گاه اقدامات تحریک‌آمیز و تهاجمی علیه پیروان ادیان مختلف به‌ویژه مسلمانان انجام می‌دهند، ضرورت انجام این پژوهش را بیشتر می‌کند. بر این اساس، تحلیل و بررسی اندیشه‌های دفاع و ایثارگری در آیین بودا می‌تواند به درک بهتر زمینه‌های فرهنگی مشترک و چالش‌های احتمالی بین آیین بودا و اسلام کمک کند و به‌طور مؤثری از حقانیت اندیشه نظامی اسلام دفاع نماید.

این مقاله با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای در گردآوری اسناد مکتوب و روش توصیفی تحلیلی در مرحله پردازش اطلاعات، به بررسی این سؤال می‌پردازد که آیین بودا با وجود تأکید بر ترک تعلقات و تمرکز بر همیاری و تعامل، چه آموزه‌هایی درباره ایثارگری در میدان‌های دفاعی و نظامی به پیروان خود ارائه می‌دهد و این آموزه‌ها تا چه حد با آموزه‌های قرآنی هماهنگ یا قابل نقد است؟ ترجمه نشدن منابع اصیل بودایی به زبان فارسی و در اختیار نبودن برخی منابع، پژوهشگر را بر آن داشت که پژوهش را بر پایه منابع دست دوم معتبر تدوین کند؛ خصوصاً گستردگی منابع اصیل و همچنین تصریح نکردن منابع به مفهوم ایثار و جزئیات آن، فضای بسیار مبهم و گسترده‌ای را پیش روی محقق قرار داده که مراجعه به کتب واسطه را توجیه می‌کند.

پژوهش‌های متعددی در زمینه اندیشه‌های بودا و مقایسه آن با اسلام یا قرآن کریم انجام شده است که از آن جمله می‌توان به پایان‌نامه امیر هاشم‌پور با عنوان «بودا و متافیزیک»، رساله دکتری تخصصی از مجتبی نوری کوهبنانی با عنوان «رنج و ظرفیت‌های بهره‌برداری از آن در آیین بودا و اسلام»، پایان‌نامه آقای جعفر شکوهی راد با عنوان «رنج در اسلام و بودا»، رساله دکتری آقای محمدحسین موسوی با عنوان «رنج و شادی در اسلام و آیین بودا»، پایان‌نامه خانم صنم بدری با عنوان «معنا و هدف زندگی از دیدگاه بودا و احادیث محمد (ص)» اشاره کرد. چنان‌که عناوین این پژوهش‌ها نشان می‌دهد، تاکنون پژوهشی در زمینه تبیین آموزه‌های بودا در باب ایثار و جهاد و نقد و بررسی قرآنی آن صورت نگرفته است.

با توجه به تصریح نکردن متون بودایی به مسئله ایثار در میدان جنگ و مقابله با دشمن و مباحث پیرامونی آن، استخراج و انتزاع مفهوم ایثار و مبانی و اهداف و شاخصه‌های آن از لابه‌لای آموزه‌های بودا، تنها راه به دست آوردن دیدگاه بودا پیرامون مسئله تحقیق است. به همین جهت ابتدا در هر یک از محورهای بحث، گزارشی از اساسی‌ترین آموزه‌های بودا ارائه شده و سپس با تمرکز بر آن، مبانی و اهداف و شاخصه‌های ایثارگری استخراج گردیده و سپس از نظر قرآن نقد شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. معنای لغوی ایثار

این واژه در معنای عرفی به معنای گذشت و فداکاری و از خودگذشتگی است. ریشه‌یابی این واژه و معین کردن معنای وضعی و مصادیق کاربردی این واژه در منابع لغوی، لایه‌های معنایی آن را در منابع دینی و غیردینی آشکار می‌سازد. واژه ایثار^۱ از ماده «أثر» به معنای دلالت شینی بر شیء دیگر (راغب، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۲) و چیزی است که باقی مانده یا نتیجه وجود شیء دیگر باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۱). همچنین این واژه به معنای برتری دادن (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۷)، برگزیدن (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۰)، ترجیح دادن و مقدم داشتن دیگری بر خود (راغب، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۲) مطرح شده است. در این مقاله، مقصود از ایثار و ایثارگری مقدم داشتن دیگران بر خود در آسایش و امنیت است که ایثارگر را برای مقابله با متجاوزان و عوامل ناامنی پیش قدم می‌کند. این واژه در متون اصیل بودایی با عناوین متعددی یاد می‌شود که با معنای ایثارگری در میدان نبرد قرابت دارد. به این عناوین توجه کنید:

वीर्य (Vīrya): به معنای شجاعت، نیروی قهرمانانه یا تلاش قاطع در راستای هدف است. این واژه در بودیسم به‌ویژه در رابطه با کسب کمالات به کار می‌رود (Saddharma Puṇḍarīka Sūtra – Mahāvastu).

पराक्रम (Parakrama): قدرت، شجاعت در مبارزه و قاطعیت. این واژه به‌ویژه در ادبیات سانسکریت، برای مبارزه با نیروهای منفی و ناآگاهی به کار می‌رود (Mahāvastu- Jataka Tales).

۲-۲. آیین بودا

آیین بودا از جمله آیین‌های کهنی است که در شبه‌قاره هند از آیین برهمنایی منشعب گردید (توفیقی، ۱۳۹۷، ص ۴۱). البته این آیین بعدها در قرون هشتم و نهم، با ظهور آیین هندو در هندوستان کمرنگ شد؛ اما در کشورهای خاور دور، به علت برخورداری از اندیشه‌های عرفانی گسترش یافت (توفیقی، ۱۳۹۷، ص ۴۲). در این آیین که بنیان‌گذار آن شخصیتی بنام «سیدهارتا» یا «سیدارتا گوتاما» در پانصد سال پیش از میلاد مسیح بوده است (هوکینز، ۱۳۸۸، ص ۲۰)، سخنی از خدا و نبوت و معاد نیست و تنها یک روش زندگی اخلاقی مبتنی بر اندیشه‌های بشری است. بودا در لغت به معنای «بیدار شده» یا «روشن شده» است و بیشتر یک لقب تلقی می‌شود تا یک اسم (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴).

۳. راهبرد کلی در جنگ و تهاجم نظامی

با توجه به بستر فرهنگی تولد اندیشه بودا و محور اصلی تعالیم او که شناخت مبدأ رنج‌ها و راه رهایی از آن‌ها در زندگی انسان است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۷۹)، و با توجه به فرمان‌های هشت‌گانه آیین بودا می‌توان گفت: روح ایثارگری و فداکاری به معنای عام آن، بر آموزه‌های آیین بودا حاکم است و خمیرمایه غالب آن‌ها با ایثارگری به معنای عام هماهنگی دارد؛ اما در مورد ایثارگری و دفاع در میدان‌های نبرد، سخنان او بسیار اندک و البته صریح است. دو آموزه اصلی در زمینه ایثارگری در میدان نبرد را می‌توان از کلمات بودا استخراج کرد.

۳-۱. راهبرد تقابل اخلاقی با دشمنان

آنچه از کلمات بودا در زمینه مقابله با دشمنان و متجاوزان به سرزمین و منافع بودا قابل برداشت است، رد برخورد فیزیکی و استفاده از سلاح در تقابل با دشمنان است. بودا حفظ صفات حسنه مانند گذشت، ایثار اموال، زهد و بی‌رغبتی به دنیا، صداقت، سخاوت، نرم‌زبانی

1. Self-sacrifice.

و هر صفتی که بزرگ‌منشی را برای فاعلش ظاهر سازد و هرگونه ضرر و تحمیل و ناراحتی را از دشمن دور سازد، مقدم بر جهاد و مبارزه خشن می‌داند. به همین جهت می‌توان گفت در اندیشه بودا، راهبرد تقابل اخلاقی مقدم بر تقابل نظامی است. در این باره از بودا چنین نقل شده است:

... زیرا هرگز نمی‌توان تنفر را با تنفر از میان برد. تنفر تنها با محبت از میان برداشته می‌شود. بگذار انسان بر خشم خود با

محبت فائق آید. بگذار او بر بدی‌ها با خوبی فائق آید. بگذار... (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۱)

بگذار او در مقابل آدم طماع، گشاده‌دست بوده و در مقابل دروغ‌گو راست‌گو باشد. اگر کسی از روی حماقت در مورد من

کار غلطی انجام دهد، من در مقابل این کار، او را در ظل محبت بی‌شائبه خود قرار خواهم داد. هر چه از ناحیه او بدی

بیشتر شود، از ناحیه من خوبی اضافه خواهد شد... (هیوم، ۱۳۶۲، ص ۱۰۷؛ سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

از کلام بودا چهار نکته اساسی می‌توان استخراج کرد: گشاده‌دستی در برابر زیاده‌خواهی و عدم ایجاد مانع در برابر متجاوز، راست‌گویی و شفافیت کامل در برابر فریب‌کار و حيله‌گر، محبت و مهرورزی به آنان حتی با وجود خسارت و اتلاف منافع و فزونی محبت و عنایت در برابر افزایش رذالت و طغیانگری بیشتر دشمن.

اندیشه رفع عطش به تعلقات مادی و روحیه صلح‌دوستی بی‌حدومرز، بر گستره وسیعی از تعاملات انسانی و حتی بر شیوه تعامل و تقابل با متخاصم و مهاجم سایه افکننده و هدف از آن، جلوگیری از وقوع نزاع و جنگ است. درحقیقت بودا به جای به‌کارگیری راهبرد دفاع نظامی در برابر منافع دشمن و سرکوب تجاوزگری او، از راهبرد اعطا و گشاده‌دستی در تأمین خواسته‌های مهاجم طماع سخن می‌گوید.

۲-۳. پرهیز از ضرر جانی و مالی به دیگران

قانون چهارم از قوانین هشت‌گانه بودا اصل دیگری از اصول ایثارگری در این آیین را پایه‌گذاری می‌کند؛ اصل «پرهیز از آسیب زدن به حیات و امکانات زندگی دیگر جانداران و اجتناب از هرگونه دزدی و غارت». قانون اول بودا برای عموم پیروان خود، یعنی «ترک هرگونه رفتاری که موجب سلب حیات (مرگ) از موجود زنده گردد»، از جمله اصولی است که عاملی در ایجاد انسجام اجتماعی تلقی شده و معیار تعاملات انسانی قرار گرفته است. در نبود آموزه‌های خاص درباره وظیفه بوداییان در موقعیت جنگ و جهاد، می‌توان این آموزه را عقیده اصلی بودا دانست که به صورت عام برای تمامی شرایط تجویز کرده است. بنابراین نفی جهاد و دفاع مسلحانه در برابر تهاجم ظالم و لزوم مهرورزی و شفافیت در برابر او، راهبرد بوداست. بر اساس این راهبرد زیربنایی در ایثارگری و جهاد، مبانی و اهداف و شاخصه‌های ایثارگری در آیین بودا را بررسی می‌کنیم.

۳-۳. نقد راهبرد بودا در مقابله با متخاصم

در بعد راهبرد ایثارگری، دیدگاه قرآن برخلاف باورهای بودایی است. بودا پیروان خود را به مسامحه و بخشش منافع به متجاوزان دعوت می‌کند، درحالی‌که قرآن کریم، پیامبر و پیروان او را ابتدا به راهبرد تعاهد و پیمان‌های مستحکم بین ملت‌های رقیب توصیه می‌کند (توبه: ۱۲-۱۳) و در صورت پیمان‌شکنی یا هرگونه تجاوزگری از جانب بدخواهان، به مقابله به مثل و شدت عمل برای تنبیه متجاوز دستور می‌دهد (نساء: ۸۴؛ بقره: ۱۹۰-۱۹۳). قرآن علت برخورد این چنین با متجاوز را تأثیر نداشتن نرمش و پذیرش خواسته‌های متجاوز در پایان یافتن تجاوزگری و خوی طمع‌ورزانه او می‌داند (بقره: ۱۲۰) و آسیب‌های جبران‌ناپذیر تسامح و مقابله نکردن با متجاوز را به این شرح معرفی می‌کند: زیان در عرصه‌های متنوع (مانند: ۲۱)، سرگردانی و ممکن نبودن تصمیم‌گیری در رفع حوایج (مانند: ۲۶)، فساد و فتنه‌جویی‌های مکرر (بقره: ۲۵۱؛ انفال: ۳۹)، شراکت در ظلم متجاوزان به حقوق مردم (توبه: ۴۷) و درنهایت سقوط جامعه و فرهنگ

(بقره: ۱۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۱۶). با توجه به عواقب مطرح شده، قرآن کریم راهبرد ایجاد هیبت و صلابت امت در برابر دشمنان را توصیه می‌کند که دشمنان و متجاوزان، تصور تجاوز و تصرف منافع دیگران را به خود راه ندهند (أنفال: ۶۰) و در صورت تجاوز، پاسخی عبرت‌آموز به آن‌ها داده شود (أنفال: ۵۷).

۴. بررسی مبانی بودا و مداخله آن در ایثارگری

۴-۱. مبانی آیین بودا

برای تبیین شکل‌گیری مبانی نظری و اعتقادی ایثارگری در پیروان بودا بر اساس باورهای زیربنایی و مبانی آن‌ها، لازم است که باورهای اساسی آن‌ها را بازتعریف کنیم. باورهای اساسی بودا، بر محور رهایی از رنج و تمرکز بر کردار و نتایج آن شکل گرفته است که باید تأثیرگذاری آن‌ها بر ایجاد روحیه ایثارگری در میدان نبرد را بررسی کرد. در ابتدا برخی از اصلی‌ترین مبانی اعتقادی بوداییان را ذکر می‌کنیم.

۴-۱-۱. درک حقایق و باور به آن‌ها

باورمندی به حقایق چهارگانه باعث می‌شود تا پیرو بودا بتواند به حالت رهایی مطلق دست یابد و این مسئله او را برای بیداری حقیقی آماده می‌سازد. نتیجه آن باورها و این بیداری آن است که شخص به همه موجودات در حالت دشمنی یا صلح مهرورزی می‌کند. این حقایق چهارگانه عبارت است از:

الف) رسمیت و اصالت رنج: باور به اینکه هر حالت و شیئی که محدود به زمان است و زمانی موجود و زمانی زایل می‌شود، تولد، بیماری، مرگ، ناامیدی، دوری از آرزوها و بسیاری مطالب دیگر رنج است.

ب) باور به خاستگاه رنج، یعنی تمایل و تعلق نفسانی: به عقیده بودا، رنج حاصل تعلق و تشنگی در وجود انسان است؛ عطش نسبت به لذت‌های جسمانی، عطش به وجود و بقا و تثبیت موقعیت بهتر، عطش و تمایل به دوری از شرایط سخت و بد.

ج) باور به راه توقف رنج‌ها: قطع تمایلات و عطش درونی راه نجات از رنج‌ها و رهایی از دردهاست. دستیابی به خوشبختی و آرزوها شروع رنج‌هاست؛ بنابراین قبول واقعیت‌ها و قطع تشنگی درونی، راه رسیدن به بیداری و خاموشی رنج‌هاست.

د) راه توقف رنج‌ها، حرکت در مسیر تحقق توصیه‌های هشت‌گانه بوداست (ابوطالبی و همکاران، ۱۳۸۱، صص ۲۶۶-۲۶۷).

درک حقایق چهارگانه از نظر محتوایی، زمینه فداکاری و ایثارگری برای دیگران را در فرد و جامعه فراهم می‌کند. ایثارگری در بودا زمانی شکل می‌گیرد که بتوان با درک حقایق چهارگانه در مورد رنج‌ها، خواسته‌ها و عطش‌های درونی خود را کنترل کرد و هیچ تعلق باقی نگذاشت و بتوان خود را در محروم کردن از لذت‌ها و تحمل سختی پیش قدم نمود.

۴-۱-۲. انکار ماوراءالطبیعه و معاد در بودیسم

در اندیشه بودا، جهان به عنوان پدیده‌ای ابدی و ازلی در نظر گرفته می‌شود. این آیین به خالقیت خداوند برای آفرینش جهان اعتقادی ندارد، تأثیر خداوند در عالم را نفی می‌کند و به وقوع معاد و شکل‌گیری حیاتی متفاوت برای بشریت در نشئه دیگر اعتقادی ندارد. به طور کلی، بودا درباره مسائل ماوراءالطبیعه مانند وجود خدا، ملائکه، ارسال پیامبران، اصل وجود روح و بقای آن، جهان پس از مرگ، بهشت و جهنم نظری ارائه نکرده و حتی به پیروان خود توصیه کرده است که از تفکر و تأمل در این موضوعات پرهیز کنند (چاترچی و همکاران،

۱۳۸۴، ص ۲۶۷). البته برخی از محققان، باور به غایتی مانند تناسخ و نیروانا را برای بودا نوعی غایت‌باوری و معاد می‌دانند.

توجه به منطق بودا در نپرداختن به مسائل متافیزیک قابل بررسی و تأمل است. او به قدری تمرکز و اندیشه‌ورزی خود را جهت یافتن راهی برای رهایی بشر از انواع رنج‌ها و کاستن از آلام بشری معطوف کرده بود که پرداختن به همه مسائل ماوراءالطبیعه، مانند وجود خدا و صفات او، لزوم وجود خالق در جهان و سنت‌های او در عالم (جهان‌شناسی و خداشناسی)، فلسفه خلقت انسان و مقصد و فرجام او (انسان‌شناسی) را در رهایی انسان از رنج‌ها بی‌فایده می‌دانست. بودا تلاش فکری و فلسفی در این‌گونه مسائل را به تلاش انسان نادانی تشبیه می‌کرد که در مقابل رنج و ناراحتی فرد مجروحی که با تیر سمی از درد به خود می‌پیچد، به جای اینکه تیر را خارج کند و مرهمی فراهم آورد، به چنین سؤالاتی می‌اندیشد: مبدأ و جنس تیر چیست؟ سازنده‌اش کیست؟ چه کسی و با چه نیتی تیر را پرتاب کرده است؟ هدف او از این تیر زدن چیست؟ البته غیرقابل اثبات بودن و احتمالی بودن پاسخ‌های بشری به سؤالات خداشناسی و جهان‌شناسی و انسان‌شناسی نیز، از دیگر دلایل گریزان بودن بودا از مباحث فلسفی و نظری بود (چاترجی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۶۸). بنابراین در عقیده بودا، توکل به خداوند و استعانت از او در همه امور، به‌ویژه در ایثارگری و مقابله با دشمنان، امری بی‌فایده و خالی از پشتوانه اعتقادی است. همچنین بوداییان در ایثارگری بر این باورند که نتیجه فداکاری‌های ایثارگر در همین دنیا و با پیوستن به نیروانا حاصل می‌شود. بنابر توصیف متنوعی که از نیروانا ارائه شده است، در آن مقام صلح، آرامش رهایی از رنج‌های مختلف برای ایثارگر فراهم می‌شود، اما پاداشی به عنوان بهشت و نعمت‌های متنوع آن برای ایثارگر نیست.

۳-۱-۴. قانون کارما^۱ (کردار)

یکی از اصول بنیادین در آیین بودا، «قانون کارما» است که تأکید دارد هر کنشی نتیجه‌ای متناسب به دنبال دارد. براساس این قانون، کردار نیک (همچون ایثار و از خودگذشتگی به معنای عام) منجر به نتایج نیکو برای فرد و جامعه می‌شود. بودا بر این عقیده بود که اساس تقدیرها و پدیده‌های عالم، چه در مقیاس فرد و چه فراتر از آن، معلول قانون کردار یا همان «کرما» است. حقیقت و سنت حاکم بر عالم این است: «بدرفتاری و کردار بد نتیجه بد به همراه دارد و رفتار نیک نیک و خوبی به همراه دارد». این قانون اساس همه اتفاقات و پدیده‌هاست. بر این اساس خداوند هرگز نه در خلقت و نه در تدبیر عالم اثری ندارد و تصرفی نمی‌کند. عین عبارت‌های بنیان‌گذار بودیسم در مقابل پنج راهب که از او در مورد حقیقت و باورهایش سؤال کردند، چنین گفت:

آیا شما به کارما یعنی قانون کردار ایمان دارید؟ پس بدانید، همان سرآغاز حکمت و آگاهی از حقیقت است. از نیکو نیکو پدید آید و از بد بد. این نخستین قانون زندگی است و همه چیزهای دیگر بر این قانون استوار است... و اگر چنین است، قربانی، دعا و تضرع به درگاه خدا عاقلانه نیست؛ زیرا آب همیشه سراشیبی می‌رود، آتش همیشه داغ است و یخ همواره سرد. اگر به درگاه همه خدایان هندوستان هم دعا کنیم، آب هرگز سربالا نمی‌رود و آتش سرد و یخ گرم نمی‌شود؛ زیرا در زندگی قانون‌هایی یافت می‌شود که همه چیز بر آنها استوار است. از این رو کاری که انجام گرفت، قابل ابطال نیست و دعا و قربانی برای خدایان نیز سودی ندارد. اگر چنین است، پس کتاب وداها که مردم را دعوت به دعا و قربانی می‌کند نیز درست نمی‌باشد و وداها مقدس نیستند. اصلاً من باور ندارم برهما (خداوند) چیزی را آفریده باشد تا جهان آفریده او باشد. به نظر من، جهان همیشگی است و آغاز و انجامی ندارد (توفیقی، ۱۳۹۷، صص ۴۴-۴۵).

اعتقاد به تأثیرگذاری تام کردار (کارما)، عاملی انگیزه‌بخش در ترجیح ایثارگری و فداکاری برای دیگران به حساب می‌آید. این باور به پیروان بودا اطمینان می‌دهد که ایثار و فداکاری برای دیگران، در نهایت به رهایی و سعادت ایثارگر منجر خواهد شد و باعث جلب

۱. کارما (Karma یا कर्म).

خیر است. در نقطه مقابل، حرص و خودپسندی، شخص را از خیر و نیک‌عاقبتی دور می‌کند. بنابراین اعتقاد به کرما لازمهٔ ایثارگری نزد بوداست.

۴-۱-۴. نیروانا (عمق آرامش و رهایی)

یکی دیگر از مبانی ارزشی بودا، اعتقاد به وجود جایگاه و مقام والای نیرواناست؛ مقامی بس شایسته و نقطهٔ کمال انسانی که قابل توصیف و تشریح نیست. عباراتی مانند مقام صلح و آرامش، فناپذیری و بیکران‌ها را در توصیف نیروانا مطرح کرده‌اند. نیروانا مقامی است که بوداییان در آن از درگیری‌ها، طمع‌ورزی‌ها، نزاع و مقابله، فریب و کینه و هرگونه صفات ناپسند خلاص می‌شوند و به پاکی محض و آرامش مطلق می‌رسند. این مقامی است که پیروان بودا برای دستیابی به آن و رهایی از تناسخ، اطاعت از دستورات بودا را بر خود هموار می‌کنند. ایثارگری و ترجیح دادن دیگران بر خود، احسان و دور کردن بدی و ناامنی از آنان نیز از توصیه‌های محوری بوداست که برای دستیابی به مقام نیروانا لازم است. به همین خاطر پیش از رسیدن به مقام نیروانا، عمل چرخه‌شکنی یا موکشا (موکتا) را توصیه می‌کنند.^۱ ایثارگری با این باور عمیق در بودا، می‌تواند ظرفیت عظیمی را آزاد کند و در اطاعت فرمان بودا قرار دهد؛ همچنین اهداف و آرمان‌های معنوی عمیقی در قلب پیروان بودا ایجاد می‌کند که برای دستیابی به آن، دشواری و رنج ایثارگری را قابل تحمل می‌سازد.

۴-۱-۵. نفی روح در وجود انسان و تأثیرگذاری آن

بودا وجود موجودی به نام روح را که به منزلهٔ وجودی متافیزیکی باشد، رد کرد و به جای آن وجودی به نام «خود» را به عنوان فاعل و انگیزه‌بخش کنش‌ها و رفتارها پذیرفت (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶). او زندگی را به مثابهٔ جریانی از وجود یافتن و نابود شدن موجودات با تمام داشته‌هایشان می‌داند. به عقیدهٔ او زندگی زنجیره‌ای از ظهور و امحاء شدن‌های پیاپی است. اما در مورد انسان و مرحلهٔ تناسخ، تنها چیزی که باقی می‌ماند و منتقل می‌شود، مجموعه‌ای از کیفیت‌ها و حالات است که مقدمه‌ساز و ایجادکنندهٔ شرایط در زندگی جدید با کیفیت‌ها و حالات جدید می‌شود. بر این اساس چیزی به نام روح وجود ندارد؛ بلکه آن حالات و کیفیت‌هایی است که در تناسخ به موجود جدید منتقل می‌شود (چاترجی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹) و این تغییر مدام، زمینهٔ رنج‌ها و دردهای بشر است. بودا در ادامه برای رهایی بشر از انواع رنج‌ها و دردها، حقایق چهارگانه را پیرامون اصل وجود رنج‌ها، درک خاستگاه رنج‌ها (عطش)، درمان‌پذیری رنج‌ها و راهکار رفع رنج‌ها مطرح می‌کند. بنابر این باور، ایثارگر در آیین بودا، تأثیر متافیزیک و ارواح پیشینیان مقدس را بر سرنوشت انکار می‌کند و دعا و مناجات در مقابله با دشمن را فاقد اثر می‌شمارد. براساس این عقیده، هیچ قدرت ماورایی در دستیابی ایثارگران به موفقیت و پیروزی دخالت ندارد و فقط قدرت ظاهری و عوامل طبیعی است که تعیین‌کنندهٔ پیروزی و شکست در میدان جنگ است. توکل و توسل به خداوند و ارواح نیاکان در مسیر ایثارگری منطقی نیست.

با توجه به مطالب فوق، مبانی اعتقادی مطرح‌شده در آیین بودا در تقابل با دشمن، با راهبرد تقابل اخلاقی و رفتارهای بزرگ‌منشانه ارتباط عمیقی دارد. مبانی اعتقادی مانند کارما، نفی متافیزیک و تمرکز بر کردار نیک (کارما) نشان می‌دهد که ایثار در آیین بودا نه تنها به عنوان عملی اخلاقی، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای رهایی از رنج تناسخ، رسیدن به روشنایی و سعادت و ساختن جامعه‌ای متعادل‌تر مطرح می‌شود و در پیروان بودا انگیزه‌ای مضاعف برای اقدامات ایثارگرایانه ایجاد می‌کند.

۱. Mukti. در آیین بودا و هندو، برای رهایی از تناسخ و سمساره، به چرخه‌شکنی یا همان موکشا توصیه می‌شود. بوداییان در این مرحله با اجتناب از حس منیت و تقویت تصور هیچ بودن، تلاش می‌کنند خود را در هستی والاتر جذب کنند. از ویژگی آن هستی، خالی بودن از ابعاد و زمان و مکان است. برای رسیدن به موکتا یا موکشا، چهار عمل توصیه می‌شود: خدمت به دیگران بدون هیچ چشمداشت، عشق درون‌زا، نیروی تشخیص درون و غرق شدن شاهانه در مراقبه. John Bowker, The Oxford Dictionary of World Religions, (650).

۴-۲. نقد مبانی ایثارگری در آیین بودا

۴-۲-۱. نقد حقایق چهارگانه

از جمله مبانی اعتقادی بودا در ایثارگری، پذیرش حقایق چهارگانه است. این حقایق جهت رهایی از رنج‌ها و دردها به همراه دستورات دیگری از جانب بودا پیشنهاد شده است. در نقد حقایق چهارگانه بودا که نقش مؤثری در پذیرش ایثارگری دارد، لازم است هر یک از آن‌ها را به صورت مستقل، از منظر قرآن بررسی کنیم.

در اولین حقیقت بودایی، نگاه منفی به نعمت‌ها و لذت‌ها باعث می‌شود هرگونه نعمت و لذت پایان‌پذیر و زائل‌شدنی رنج و دشواری شمرده شود. با این باور، تولد، ازدواج، دوستی و محبت و بهره‌مندی از نعمت‌ها نیز رنج و دشواری است. اما در مقابل، قرآن کریم اصل وجود رنج و دشواری را به رسمیت می‌شناسد (بلد: ۴)^۱ و به تبیین حکمت وجود سختی‌ها در زندگی می‌پردازد؛ حکمت‌هایی مانند جدا شدن افراد خبیث و منافق از انسان‌های پاک و مؤمن (آل عمران: ۱۷۵)، جدایی مجاهدان و صابران از دیگران (آل عمران: ۱۶۶-۱۶۷) و بازگشت و تضرع به درگاه خدا (انعام: ۴۲؛ اعراف: ۱۶۸). قرآن کریم در عین حال، نوع واکنش انسان را نیز به او تعلیم می‌دهد و از سوءبرداشت‌ها در مشاهده رنج‌ها و خوشی‌ها جلوگیری می‌کند (فجر: ۱۵-۱۷). همچنین قرآن در برابر نگاه منفی بودا به نعمت‌ها و لذت‌های مادی، وجود آن‌ها را نیز جزء واقعیت‌های زندگی انسان می‌داند؛ از جمله این نعمت‌ها همسر و فرزند و نوادگان (نحل: ۷۲؛ اعراف: ۱۸۹)، مقام و درجات اجتماعی (انعام: ۱۶۵؛ یوسف: ۹۰-۱۰۱)، ثروت و مال (نحل: ۷۵؛ نوح: ۱۲) است که آن‌ها را نشانه لطف و رحمت خداوند می‌داند (ضحی: ۶-۱۱). بنابراین اصالت دادن به رنج و سختی به اندازه‌ای که نعمت و لذت‌های واقعی نیز رنج و دشواری تلقی شود، امری خلاف واقع و وجدان است.

بودا در حقیقت دوم، ریشه و خاستگاه اصلی احساس درد و رنج را عطش دورنی و دلبستگی به منافع می‌داند. شاید بتوان کلام بودا را چنین تفسیر کرد که عامل اصلی انتقال حس ناراحتی و رنجش خاطر در زمان مصیبت‌ها و فقدان‌ها و ظلم‌ها، وجود علقه و وابستگی قلبی شکل‌گرفته در انسان است. درحقیقت این تعلق و عطش، واسطه انتقال ناراحتی و درک رنج‌ها در بشر است و بودا تلاش می‌کند این واسطه یعنی عطش و وابستگی را مهار کند و با این تکنیک، مانع تحقق ناراحتی و رنجش قلبی در حوادث ناگوار شود؛ هرچند فقدان‌ها و مصائب بسیار سنگین باشد. اما قرآن کریم خاستگاه و ریشه تحقق دردها و رنج‌ها را خداوند و اذن او می‌داند (نساء: ۷۸) و عامل زمینه‌ساز وقوع رنج‌ها در زندگی انسان را اعمالی مانند کفر و مخالفت با رسولان الهی (نساء: ۱۶۱-۱۶۲؛ رعد: ۳۱)، معصیت‌ها (آل عمران: ۱۶۵)^۲ و ارجاع داوری به طاغوت (نساء: ۶۹) معرفی می‌کند. روش قرآن برای مهار رنجش قلب و اضطراب خاطر، قلع و قمع کردن عطش‌ها یا بریدن از دنیا و ریاضت^۳ نیست؛ بلکه توصیه قرآن آن است که انسان‌ها در قبال فقدان‌ها و مصیبت‌ها، باورهای صحیح و استقامت و عبادت را پناهگاه خود قرار دهند (بقره: ۴۵)، به سطوح بالاتری از نعمت و اهداف معنوی نزد خداوند بیندیشند (بقره: ۱۵۵-۱۵۷) و زمینه‌های رشد و تعالی خود را در بیداری و تجلی فطرت توحیدی (بقره: ۱۵۶؛ قصص: ۴۷)، درود و رحمت الهی (بقره: ۱۵۷) و محبوبیت نزد خداوند (آل عمران: ۱۴۶) جست‌وجو کنند. بنابراین درک و باور به حقایق چهارگانه که مقدمه‌ای برای روحیه ایثارگری در آیین بوداست و زمینه پذیرش دشواری‌ها را شکل می‌دهد، از نظر قرآن مطابق واقعیت نیست و مردود است.

۱. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ: همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم» (بلد: ۴).

۲. «أَوَلَمْ آصِبْتُمْ مِصْبَةَ قَدْ أَصَبْتُمْ بِئَلَيْهَا قُلْتُمْ أِنِّي هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ...»

۳. برخلاف حقیقت سوم بودا که راهکار نجات از رنج‌ها را تمرین بی‌توجهی به عطش و ریشه‌کن کردن آن می‌داند.

۲-۲-۴. نقد انکار ماوراءالطبیعه و معاد

اندیشه بودا با تمرکز بر از بین بردن حسن رنج و ناراحتی از انسان، منجر به تأمل نکردن در جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و خداشناسی و ارتباط رنج‌ها با خدا و انسان شد. از مهم‌ترین نقدهای وارد بر بودا، شناختن دقیق و عمیق منشأ رنج‌ها و فلسفه ناگواری‌ها در زندگی بشر و انحصارگرایی در درمان رنج‌های انسان با روش دفع عطش و سرکوب غرائز و علقه‌های درونی انسان است. درحالی‌که قرآن کریم با تفسیر صحیح از گستره حیات دنیوی و اخروی انسان و ماهیت موقت و کسزارگونه دنیا برای نشئه آخرت، حوادث و رنج‌های دنیا را در مراحل از آزمایش‌های الهی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۳۵) یا توانی از اعمال گذشته انسان‌ها معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۰). بنابراین نفی ماوراءالطبیعه و دخالت اراده الهی در وقوع رنج‌ها، امری خلاف واقع است. همچنین ادله عقلی و نقلی بر وقوع معاد و جایگاه صالحان در بهشت و مفسدان در جهنم، بطلان عقیده بوداییان بر نفی معاد را ثابت می‌کند.

۳-۲-۴. نقد ایثارگری مبتنی بر قانون رفتار (کرما)

بر اساس دیدگاه بودا، قانون اصیل و فراگیر در عالم برای تحقق پدیده‌ها و سرنوشت‌های فردی و اجتماعی، تأثیرگذاری اعمال و رفتار نیک و بد است و بر این اساس، دعا و قربانی و حتی اراده پروردگار اثری در تغییر سرنوشت‌ها و پدیده‌ها ندارد؛ بلکه ایثارگری برای دیگران از جمله اعمال مؤثر در سرنوشت افراد است. این باور اگرچه مؤید ایثارگری و فداکاری در بوداست، از حیث مبانی و باورهای زیربنایی، اشکالات اساسی دارد. این دیدگاه از حیث پذیرش تأثیرگذاری رفتار بر سرنوشت‌ها و حوادث، اجمالاً با معارف قرآنی^۲ هماهنگ است. آیات قرآن همان‌گونه که بخشی از فسادها و رنج‌های عالم را نتیجه اعمال بشر می‌داند (روم: ۴۱)، رفتارهای نیک انسان‌ها را نیز عامل سرازیر شدن برکت‌های الهی برمی‌شمرد (اعراف: ۹۶) و عمیقاً ارتباط بین اعمال انسان‌ها و نظام تکوین را تأیید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۹). اما قانون رفتار از این جهت که تنها عامل انحصاری و مستقل در سرنوشت انسان‌ها باشد، محل نقد و بررسی است. قرآن کریم تأثیرگذاری رفتارها بر سرنوشت‌ها را اراده الهی و فعل خدا معرفی می‌کند (قلم: ۲۹-۳۶)^۳ و اراده الهی را عامل اصلی محرومیت از نعمت و انتقال آن به دیگری به خاطر سوء عمل می‌داند (دخان: ۱۷-۲۸)؛ همچنین قربانی (حج: ۶۷، ۳۴) و نذر کردن انسان در راه خداوند متعال (آل عمران: ۳۵) را تأیید می‌کند و در نظرگاه الهی مقبول (بقره: ۲۷۱) می‌شمارد. بنابراین ایثارگری برخاسته از باور به استقلال و انحصار تأثیرگذاری رفتار بر شکست و موفقیت‌ها مخدوش و غیرصحیح است.

۵. بررسی اهداف زندگی در بودا و مداخله آن در ایثارگری

۱-۵. اهداف و فرجام زندگی در آیین بودا

بررسی هدف متعالی و فرجام مطلوب از حیات بشر مطلب بسیار مهمی است که با شناخت آن و بررسی میزان دخالت ایثارگری در دستیابی به آن، ایثارگری در میدان نبرد را توجیه‌پذیر و مورد اشتیاق پیروان بودا قرار می‌دهد. مقصد نهایی پذیرش تمامی باورها و تقیدات اخلاقی اجتماعی بودا، رسیدن به روشنی و بیداری است که باعث می‌شود دشواری‌های متنوعی که بشر از آن‌ها رنج می‌برد، پایان پذیرد (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰) و شخص از تناسخ و زندگی پیاپی نجات یابد و به نیروانا برسد (هوگینز، ۱۳۸۸، ص ۲۸). این باوری است که بودا آن را نقطه کمال و هدف خلقت و زندگی انسان می‌دانست. نیروانا درحقیقت معادل فرجام‌شناسی (معاد) مطرح در

۱. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱)؛ «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شوری: ۳۰).
 ۲. احسان عامل اتمام نعمت الهی (انعام: ۱۵۴)؛ احسان عامل جلب رحمت الهی (لقمان: ۳؛ اعراف: ۵۶)؛ احساس همراه با اخلاص، عامل فرجام نیک (لقمان: ۲۲)؛ محروم کردن فقرا از احسان، عامل نابودی نعمت (قلم: ۲۹-۳۲).
 ۳. «أَفَتَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ * مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (قلم: ۳۵-۳۶).

ادیان آسمانی است. بودا که هرگز اعتقاد به معاد و بهشت را مطرح نکرده، معتقد است سالک با التزام به انضباط خاص به نیروانا می‌رسد. واژه «نیروانا» درحقیقت به معنای توفیق یافتن و موفق شدن است. موفقیت در غلبه بر هیجان‌ها، مانند خشم‌ها، شهوات، غم و اندوه‌ها و نادانی‌ها و فائق شدن بر رقابت‌های بیهوده برای اثبات خود انجام می‌گیرد. می‌توان گفت خاموش کردن امیال و منیت‌ها با ایثارگری و عبور از خود و چشم‌پوشی از هوس‌ها حاصل می‌شود و این عامل اصلی در رهایی از تناسخ و رسیدن به کمال انسان یعنی نیرواناست. درمقابل، امیال و نفس‌پروری‌ها عامل اصلی تولد مجدد و تداوم رنج و زحمت‌ها می‌شود. اگر انسان بر ذهن و هوس‌های دل پیروز شود و ذهن را هوشیار و بیدار کند، پس از مرگ جسمانی، ذهن (نه روح) او دوباره متولد نخواهد شد؛ بلکه آزاد و رها می‌شود و به مقصد نهایی نیروانا و آزادی نهایی از اضطراب‌ها خواهد پیوست (جبرائیلی، بی‌تا، ص ۴۳).

۲-۵. اهداف ایثارگری در آیین بودا

اهداف ایثارگری در بودا را باید با توجه به باورهای بودا در بعد غایت و کمال انسان و همچنین سخنان بودا در باب مواجهه با دشمن^۱ تبیین گردد. بنابراین می‌توان اهداف ایثارگری در این آیین را چنین ترسیم کرد: رسیدن به بیداری و هشیاری کامل برای نجات از رنج‌های زندگی، رهایی از چرخه رنج‌آور تناسخ و زندگی‌های مکرر، رسیدن به نیروانا و غایت کمال بشری، تسلط بر منیت‌ها و شهوات و تربیت نفس در به‌کارگیری سجایای اخلاقی و بزرگ‌منشی، زمینه‌سازی برای بیداری و هدایت اخلاقی خصم و کاهش تعلق و طمع‌ورزی او به دنیا و بازگرداندن او به صلح و نوع‌دوستی.

۳-۵. نقد اهداف ایثارگری در بودا

۱-۳-۵. رهایی از رنج‌ها؛ آرزویی باطل

در نظام معرفتی قرآن، رفتار خالصانه دینی در مواجهه با دشواری‌ها و سختی‌های زندگی ظهور می‌یابد، نه در شرایط عادی و دلخواه انسان. ظهور رفتار خالصانه و صحیح است که انسان را در شرایط سخت، به هدف زندگی و کمال بشری نزدیک می‌کند. بنابراین آزمایش انسان‌ها در کوران زندگی، بخشی از سنت‌های خداوند و ساختار جدایی‌ناپذیر دنیا و مسیر تکاملی انسان است (بقره: ۱۵۴) و تلاش برای رهایی از رنج‌ها، پنداری باطل و بی‌فایده است (عنکبوت: ۲). درمقابل، آیات قرآن تلاش دارد با تغییر نگرش به مصائب و دشواری‌ها، پذیرش آن را برای انسان مؤمن شیرین و رضایت‌مندی فعالانه را در او تقویت کند.

۲-۳-۵. نیروانا؛ ادعایی بدون دلیل

هدف‌گذاری رفتارهای ایثارگرایانه به قصد دستیابی به نیروانا، خالی از هرگونه اقامه دلیل و برهان است. قرآن کریم در آیات بسیاری، هرگونه تصور از فرجام زندگی بشر و باور کلی یا جزئی در این زمینه را که مبنای وحیانی و معصومانه نداشته باشد، طرد می‌کند و آن را پنداری باطل می‌داند که در روز قیامت همه آن باورهای باطل در مقابل آن عقیده باطل گم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۵۰). برخی از باورهایی که قرآن آن‌ها را باطل می‌داند، عبارت است از: شفاعت بت‌ها در آخرت (یونس: ۱۷-۱۸)، اعتماد به شفاعت فرشتگان (نجم: ۲۶) و در نظر گرفتن معبودهای دروغین به عنوان شفیعان آخرت (زمر: ۴۳).

۱. سخنان بودا در باب مواجهه با دشمنان: «... زیرا هرگز نمی‌توان تنفر را با تنفر از میان برد. تنفر تنها با محبت از میان برداشته می‌شود. بگذار انسان بر خشم خود با محبت فائق آید. بگذار او بر بدی‌ها با خوبی فائق آید. بگذار...» (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۱). «بگذار او در مقابل آدم طماع، گشاده‌دست بوده و در مقابل دروغگو راستگو باشد. اگر کسی از روی حماقت در مورد من کار غلطی انجام دهد، من در مقابل این کار، او را در ظل محبت بی‌شائبه خود قرار خواهم داد. هرچه از ناحیه او بدی بیشتر شود، از ناحیه من خوبی اضافه خواهد شد...» (هیوم، ۱۳۶۲، ص ۱۰۷؛ سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

۳-۳-۵. اشتباه در معیار منیت و طمع‌ورزی

بودا حرکت و اقدام فعال علیه تجاوز دشمن را منیت و طمع‌ورزی و حرکت در مسیر امیال معنا می‌کند و این در حالی است که معیار حرکت بر اساس منیت‌ها و امیال، سکوت در برابر حق یا اقدام علیه حق است. دفاع از حق، عدالت، حتی به خاطر حقوق مادی و دنیایی، نزد عقلا و شرع دارای فضیلت و ارزشی فطری و دینی است و هرگز به معنای دنیاطلبی و میل‌پرستی نیست. در مقابل، سستی و تنبلی در مقابل ظالم و عدم تقابل فیزیکی برای دفاع از حق و عدالت، نشانه‌ی راحت‌طلبی، ذلت‌پذیری و دوری از فضایل و بزرگ‌منشی است. قرآن کریم در مقابل چنین تصوراتی از طرف منافقان امت که به بهانه‌ی خطر لغزش و تمایل به غنیمت‌های نفیس جنگی و تحریک هوای نفس (در پوشش تزکیه‌ی نفس) به دنبال سرپیچی از فرمان جهاد بودند، آن‌ها را گرفتار فتنه و هوای نفس معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۰۵). بودا به خیال خود، با تسامح و تسالم با دشمنان خواهان دوری از دنیا و عطش به منافع است؛ درحالی‌که نفس این اقدام، تمایل و عطش به بقا و آرامش و اجتناب از برهم زدن آرامش به‌ظاهر عرفانی است.

۶. شاخصه‌های بودایی‌گری و مداخله‌ی آن در ایثارگری

در آیین بودا تعالیم و رفتارهایی توصیه شده است که ایثارگران الگو در این آیین، از این شاخصه‌ها برخوردارند یا انتظار تخلق به چنین شاخصه‌هایی از آن‌ها می‌رود.

۱-۶. ارتباط عمیق با پناهگاه‌های سه‌گانه

منابع بودا برای تداوم حقایق و باورهای دینی در جامعه و زنده نگه داشتن بودا در میان مردم، سه پناهگاه و گوهر اساسی را معرفی می‌کنند که پیروان بودا در همه‌حال ملزم به مراقب از آن هستند و باید بدان التزام عملی داشته باشند. آن سه گوهر مهم عبارت است از: ۱. گوهر بودا (معلم)، ۲. گوهر آیین و شریعت، ۳. گوهر انجمن (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲). این سه پناهگاه یا گوهر اساسی، مسیر دستیابی به حقایق یادشده را هموار می‌کند و پیروان باید دینداری خود را با محوریت این سه گوهر هماهنگ نمایند. بر اساس این دستورالعمل، توجه ویژه و نگاه از سر تکریم و عظمت به پیشوایان و معلمان بودا، آموزه‌ها و شریعت بودا و گوهر انجمن و اجتماع بوداییان، از الزامات مهمی است که ایثارگران این آیین باید بدان توجه و در سراسر زندگی، تعامل و ارتباط خود را با این سه پناهگاه مستحکم کنند.

۲-۶. التزام عملی به آموزه‌های اخلاقی بودا

در مورد آموزه‌های اخلاقی بودا، به‌سختی می‌توان سخنی را یافت که مستقیماً از خود بودا ماندگار شده باشد. به جهت نبود قدرت نوشتاری در آن زمان، شاگردان او سخنانش را با عناوینی شبیه «چنین شنیده‌ام»، مطرح می‌کردند. بنابراین اثر مستقیم و قابل اطمینانی از شخص بودا باقی نمانده است (چاترجی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۶۴). اما به طور اجمال می‌توان هماهنگی بین سخنان و آموزه‌های شفاهی شاگردان او را دلیل بر صحت صدور آن‌ها از بودا دانست و به یک اطمینان نسبی دست یافت (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۸۵).

این آیین پس از صدها سال، آموزه‌های خود را به دو دلیل گسترش و توسعه داد: اول، پرورش پیروان و راهبان خاص به عنوان مبلغان و پیشوایان مسلک بودا که به «واده‌ها» خوانده می‌شوند؛ دوم، ترویج بودا در میان عموم جامعه و گسترش پیروان عادی در میان مردم که آن‌ها را «مهایانه» می‌نامند. دو آموزه کلی بودا برای بیداری و رهایی که می‌تواند زیربنای ویژگی‌های اخلاقی رفتاری بودا قرار گیرد، عبارت است

از: اول، اجتناب سالک از زشتی‌ها و بدمستی‌های ثروت و مکنث و شهوت و دوم، پرهیز از رنج‌ها و دشواری‌های ریاضت و تکلف‌های بیهود، برای رسیدن به حقیقت (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳۸؛ بایرناس، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴).

در ادامه، پیروان بودا برای تبیین و اجرایی کردن این دو آموزه، احکام عملی و آموزه‌های جزئی تدوین نمودند و برای تربیت مبلغان خاص و پیروان عام بودا، به تبلیغ و تشکیل مدارس بودایی پرداختند. بر همین اساس، کسی که قصد دارد در سلک راهبان آیین بودا درآید، باید سبک زندگی خود را به کلی تغییر دهد، از معاشرت با خانواده و دوستان دوری کند و در سرتاسر سال به جز برای شرکت در چند مراسم آیینی، در مجامع عمومی حاضر نشود. دست‌یابی به این مراقبه، مستلزم التزام به انضباط قوی نسبت به دستورالعمل‌های هشت‌گانه‌ای است که راهبان رده بالاتر دستور می‌دهند (هوکنیز، ۱۳۸۸، ص ۲۸). گام‌های هشت‌گانه، از توصیه‌های اصلی بودا به راهبان بودایی است. او راه‌هایی از رنج‌ها را رسیدن به بیداری می‌داند و مقدمه آن را تقید به انضباط خاص در زندگی و پذیرش آن معرفی می‌کند. در غیر این صورت، کسی که به انضباط خاص تن ندهد، به بیداری نخواهد رسید و در جریان بی‌پایان تناسخ باقی می‌ماند. بنابراین راهب برای دستیابی به بیداری و رهایی از رنج‌ها باید هشت فرمان زیر را رعایت کند:

دید و شناخت صحیح و فهمیدن قانون عمل و کردار و نتایج آن؛ اندیشه و افکار صحیح (افکاری که باخشم و طمع و سوء نیت نباشد)؛ گفتار صحیح (پرهیز از دروغ و افتراء و شایعه و سخنان زشت)؛ کردار نیک (پرهیز از آسیب زدن به زندگی دیگر جانداران و اجتناب از دزدی و غارت)؛ زیست و زندگی سالم (پرهیز از زیاده‌طلبی و حرص که به دیگران زیان برساند)؛ کوشش صحیح (انجام بهترین کارها با جدیت و وجدان کاری عمیق)؛ آگاهی صحیح و توجه و همواره دقیق و مراقب بودن؛ تمرکز و یکدلی تمام و ذهن را برای درک صحیح حقایق آماده و آرام نگه‌داشتن (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، صص ۱۸۸-۱۹۰).

به جز موارد پیش‌گفته، در برخی متون بودایی به اجتناب از پرخوری، رقص و موسیقی و تماشای لهو و لعب، استعمال زیورآلات و عطریات (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۹) و اجتناب از بسترهای نرم و مجلل و نپذیرفتن طلا و نقره نیز سفارش شده است. همچنین اینکه راهب فقط حق دارد خوراک و پوشاک روزانه خود را از مردم بگیرد (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۹). بودا برای عموم مردم نیز فرمان‌هایی صادر کرده که ایشان نیز برای گرایش به مسلک بودایی، باید ملتزم به رعایت این موارد باشند. این فرمان‌ها عبارت است از:

عهد بستن بر سر اینکه هرگز حق زندگی را از هیچ موجود زنده‌ای نگیری؛ عهد بستن بر سر اینکه هرگز چیزی را که حق تو نیست، از دیگران به سرقت نبری؛ عهد بستن بر سر اجتناب از روابط نامشروع با دیگران؛ عهد بستن بر سر اجتناب از سخن ناشایست و ناصواب مانند دروغ و افتراء؛ عهد بستن بر سر اجتناب از هرگونه ماده مست‌کننده و حالت‌های غیرعادی، مانند شراب و مواد مخدر (جبرائیلی، بی‌تا، ص ۴۵).

بر اساس مطالب فوق، اگر اینارگر در آیین بودا از طبقه مبلغان و پیشوایان آیین بودا باشد، باید به گام‌های رشد مطرح شده متخلق گردد و اگر از طبقات عمومی جامعه است، باید به عهد و پیمان‌های عمومی برای بوداییان متخلق باشد.

۳-۶. باورمندی عمیق به مبانی و اهداف غایی بودا

چنان‌که در ابتدای بحث گذشت، باورمندی به مبانی و اهداف غایی بودا، از جمله شاخصه‌های مهم پیروان بوداست. بنابراین در آیین بودا، اینارگر در بعد اعتقادی برخوردار از چنین شاخصه‌هایی برخوردار باشد: تلاش برای درک صحیح و کامل حقایق چهارگانه و کاهش تعلقات و عطش درونی؛ کم‌توجهی به عوامل ماورائی مانند خدا، توکل، نصرت الهی و درمقابل، باور عمیق به کارما و بازگشت منفعت و

ضرر اعمال به خود؛ باور به تناسخ و لزوم تلاش برای رسیدن به نیروانا؛ تلاش برای رسیدن به بزرگ‌منشی و تسلط بر خواسته‌ها و تمایلات قلبی.

۴-۶. نقد کلی بر شاخصه‌ها

۱-۳-۶. اقامه نکردن ادله لازم برای اثبات حقانیت

معیار توجه به منبع باورهای دینی و بررسی عمیق اعتبار منادیان معنویت (زمر: ۱۷ و ۱۸) بر این مسئله تأکید دارد که تعیین دین و سرنوشت حیات تکرارنشده انسان، فارق از افترا به خداوند، امری نیست که انسان عاقل و خردمند به سادگی در اختیار هر ادعاکننده‌ای قرار دهد. بنابراین لازم است مدعی هدایت مردم به حقیقت، دارای ویژگی‌هایی قانع‌کننده برای اثبات حجیت و حقانیت ادعاها و تعلیمات خود باشد. از این رو پیامبران الهی با وجود بشر بودن (ابراهیم: ۱۱)، از ویژگی‌ها و اقداماتی به نام معجزه بهره‌مند بودند که در صورت نیاز، برای اثبات رسالت و حقانیت خود استفاده و اطمینان عوام و خواص دارای قلب سلیم را به خود جلب می‌کردند. پس از اثبات رسالت، وحی الهی با شاخصه‌های نقض‌ناپذیر و اطمینان‌بخش، آموزه‌های الهی را از طریق انبیا در اختیار بشر می‌گذاشت.

مقایسه طریق دریافت آموزه‌ها توسط بودا و توسط انبیا نشان می‌دهد، بین وحی الهی که انبیا برای بشریت ارائه می‌کنند، با آنچه پیشوایان بودا به آن دست یافته‌اند، فاصله بسیار زیادی وجود دارد. سلسله‌مراتب دریافت حقیقت ابتدا وحی الهی است که توسط انبیای معصوم دریافت می‌شود؛ بعد از آن، بهره معصومان کامل غیر از انبیاء است. بعد از این دو گروه و با فاصله زیاد در اطمینان‌بخشی، آنچه در مرحله بعدی نصیب عالمان یا عارفان سالک می‌شود، هر دو در معرض جدی آسیب‌های بشری قرار دارد؛ شهوات و جهل و هوس‌ها برای عالمان و القانات شیطانی در عارفان. لازم است این آسیب‌ها با برهان عقلی تصفیه و حق و باطل در آن آشکار شود (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۸۰). بنابراین پذیرش حقانیت بودا جای شگفتی دارد. جان بایرناس، محقق و نویسنده کتاب تاریخ جامع ادیان، در مورد سرگذشت بودا در لحظات خلصه نهایی در زیر درخت علم چنین می‌نویسد:

... در این مرحله، بودا به این نتیجه در خود رسید که از همه تمایلات و رغبت‌ها که مانع اصلی رهایی است، نجات یافته است [یا خود را از نظر روحی رهایی بخشید و خود را فارغ از آن تمایلات در نظر گرفت]. او در این مرحله به حالت جذبه و جدیتی رسید که منتهی به حالت تسلیم محض و رضای صرف در برابر حوادث و رنج‌ها شد؛ به گونه‌ای که دیگر به کلی از خوشی و ناخوشی و نعمت و عذاب هر دو فارغ شد. [علاقه خود را نسبت به هر دو مساوی دانست] و ذهن او به حالت استقرار و آرامش رسید و در اینجا به این رسید که دیگر ظلمات جهل و نادانی درونی او به نور و علم و بیداری روشن گشته است و در این حالت و زیر درخت علم، احساس کرد که به نور اشراق کامل نایل شده و به نیروانا رسیده است و دیگر تجدید حیات و تولدهای متوالی تناسخ از او برداشته شده است. با خود گفت: دیگر من فرد سابق نیستم و عالی‌ترین مرتبه حیات را دریافت کرده‌ام و تکلیف روحانی خود را به پایان رسانیدم (بایرناس، ۱۳۸۷، صص ۱۸۳-۱۸۴).

زمانی که بودا هیچ‌یک از ویژگی‌های رسولان الهی را برای حقانیت دریافت‌های خود اقامه نکرده است، چگونه می‌توان به حقانیت کلام اطمینان کرد؟ وجود چنین نقص عظیمی در آیین بودا به این منجر شده که در طول زمان در باورها و رفتارهای بوداییان تحولات اساسی و بنیادین شکل بگیرد؛ تا جایی که با اهداف اولیه پیشوای اول ایشان متناقض است. بوداییان برخلاف اندیشه پیشوای اول که ادعای مبارزه با تعدد الهه‌ها در آیین هندو را داشت و آیین بودا را خالی از معبودهای متعدد و بت‌ها قرار داد، در طول زمان گرفتار بت‌پرستی شدند و به

جای خدایان متعدد هندوان، تماثیل و مجسمه‌های بودا را بت قرار دادند و بت پرستی شرک‌آلود هندوها را به بت پرستی کفرآمیز تبدیل کردند (بایرناس، ۱۳۸۷، صص ۲۲۵-۲۲۹).

۲-۳-۶. محدودسازی بعد اخلاقی و نقصان در تشکیل منظومه دین

باورها و اندیشه‌های بودا هرچند ادعای بر اخلاق‌مداری تأکید دارد، در این حوزه نیز بسیار محدود و با کلی‌نگری از مسائل گذشته است. محدود کردن ابعاد گوناگون اخلاق و حقوق در حد توصیه‌های اخلاقی کلی و نپرداختن به اهداف و راهکارها و شرایط گوناگون مسائل اخلاقی، نقضی غیرقابل انکار در آیین بوداست. اکتفا به مسائل هشت‌گانه و نداشتن برنامه کامل و جامع در باب رعایت آن هشت توصیه در شرایط مختلف و معرفی رهایی از رنج‌ها یا رسیدن به نیروانا به عنوان هدفی بدون دلیل و برهان منطقی، التزام به شاخصه‌ها را اقدامی ناقص و غیرمنطقی جلوه می‌دهد. بنابراین از یک طرف، بی‌توجهی به ابعاد گوناگون حیات انسان، مانند جهان‌شناسی و انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی منطقی و از طرفی عدم ارتباط اخلاق با این آموزه‌ها، نقصانی مشهود در آموزه‌های این آیین است و با توجه به همین نقصان‌های گسترده در معرفی عالم و ماورای آن، اطلاق دین و تمسک به آن به عنوان دین، منطقی و صحیح به نظر نمی‌رسد.

آیین بودا از نظر بهره‌مندی از منظومه جامع در شکل‌گیری دین واقعی، در مقایسه با ادیان توحیدی فاقد معیارهای لازم است. ادیان ابراهیمی به عنوان ادیان کامل، از دو بخش عمده «نظری و اعتقادی» و «عملی و تکلیفی» ساخته می‌شوند و خداوند دین را به معنای مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات اجرایی به منظور هدایت بشر فرستاده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۲۶). همچنین دین را سلسله قواعدی مشتمل بر اصول عقاید و اخلاق و ارزش‌های فردی و اجتماعی و بین‌المللی می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۶۵). آیین بودیسم با وجود برخی آموزه‌های مفید، یک دین به معنای واقعی نیست؛ زیرا در بعد مباحث نظری و اعتقادی بسیار ضعیف و بی‌اعتناست. البته این آیین بر اساس تعریف جامعه‌شناختی از دین که هیچ الزامی در طرح مباحث ماوراءالطبیعه قائل نیست، می‌تواند دین محسوب شود.

۳-۳-۶. انحراف از توحید ربوبی بدون اقامه دلیل

اساساً قطع عالم امکان از اراده الهی و ابدی و ازلی دانستن آن، ریشه بسیاری از باورهای ناصحیح بوداست. اشکال عمده آن است که اعتقاد به وجود نداشتن خدا یا وجود خدا و قطع هرگونه ارتباط بین او و عالم امکان، به معنای استقلال تمام موجودات از اراده الهی در بقا و تأثیر و تأثراتشان است. علاوه بر اینکه بودا برهان و دلیلی بر این ادعا اقامه نکرده است، با ادله فراوان توحید ربوبی و ادله عقلی و نقلی وابستگی تمام وجود در ابعاد سه‌گانه ایجاد و بقا و آثار به خداوند متعال (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۳۲) در تناقض است. قرآن کریم نیز با صراحت، تمامی عرصه‌های عالم را میدان حاکمیت و نفوذ امر الهی می‌داند و رحمت او را تنها عامل نصرت و پیروزی می‌شمارد (بقره: ۱۰۷).

۴-۳-۶. نقد راهبرد اصلی بودا در ایثارگری

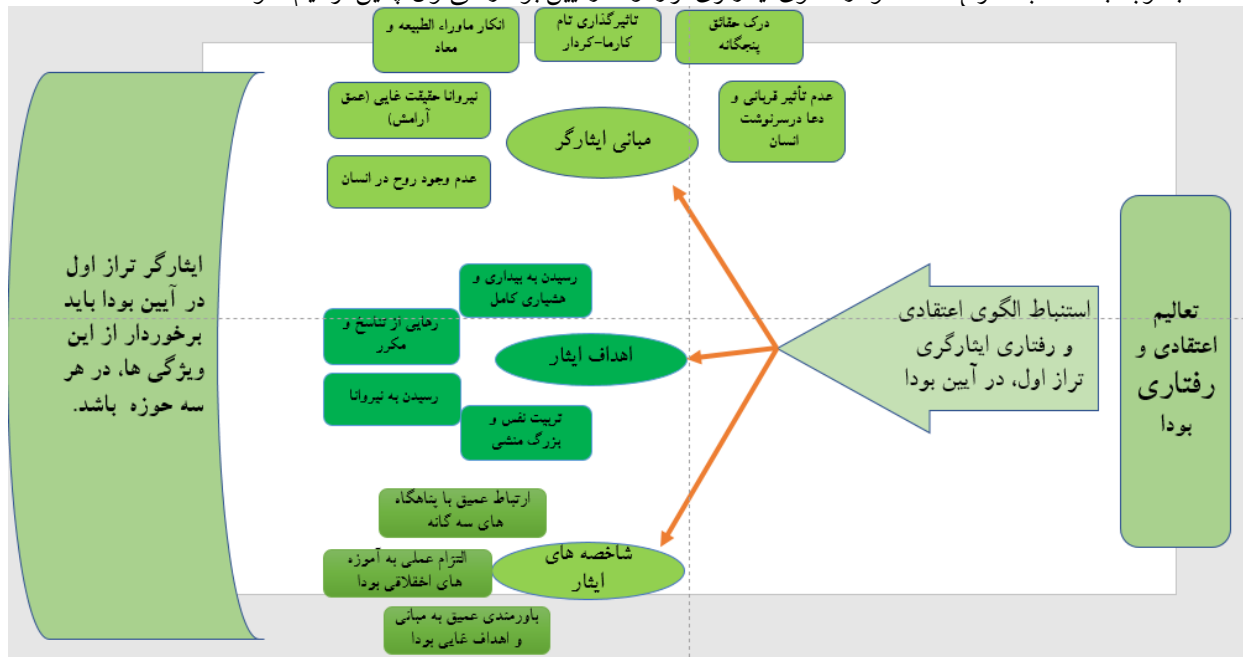
با تأمل در آیات قرآن کریم و پیگیری عوامل گرایش بودا به راهبرد انفعالی در برابر متجاوز، خیالی بودن بسیاری از پیش‌بینی‌های او احراز می‌شود. قرآن بر بی‌تأثیر بودن نرمش و پذیرش خواسته‌های متجاوز در پایان‌پذیری تجاوزها و فرونشاندن خوی طمع‌ورزانه دشمن (بقره: ۱۲۰) تأکید دارد و آن را عامل سرگردانی و ممکن نبودن تصمیم‌گیری در رفع نیازها می‌داند (مائده: ۲۶)؛ زیرا این راهبرد دشمن را جسورتر و موجبات فساد و فتنه‌جویی‌های مکرر او را فراهم می‌کند (بقره: ۲۵۱؛ انفال: ۳۹). قرآن کریم در پایان این راهبرد مرحله

۱. انعام: ۵۷-۶۲ و ۱۱۴؛ توبه: ۱۱۶؛ اسراء: ۱۱۱.

حقارت‌بارتری را پیش‌بینی می‌کند و آن را عامل مشارکت صاحبان این اندیشه در ظلم بر مردم خود می‌داند (توبه: ۴۷) و پذیرش آسیب‌های متنوع و جبران‌ناپذیر را نتیجه تسامح و مقابله نکردن با متجاوز معرفی می‌کند (مائده: ۲۱).

با توجه به نقدهای موجود و همچنین دقت در مستندات آموزه‌های بودا درمی‌یابیم که این ادعا بر منبع قابل‌اطمینانی تکیه ندارد. به همین دلیل برخی از محققان آیین بودا (چاترجی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۶۷)^۱ بر این عقیده‌اند که باورهای اعتقادی و مبانی نظری در این آیین، از پشتوانه استدلال و منطق قابل‌اطمینان برخوردار نیست و پیروان این آیین، مسائلی همچون حقیقت رنج‌آور بودن زندگی و لزوم رهایی از آن، اصل تناسخ، ازلی و ابدی بودن عالم، وجود نداشتن روح در انسان، قطع ارتباط خداوند با عالم و مسائل اعتقادی دیگر را خالی از استدلال واضح و قابل‌فهم می‌دانند؛ زیرا مبانی و مبادی تعالیم بودا کاملاً پیچیده و مبهم و غیرقابل‌تصور و فهم است؛ به گونه‌ای که راهبان و شارحان کلام او هم قرن‌هاست در تلاش فهم آن هستند و همچنان به نتیجه‌ی یقینی نرسیده‌اند. بنابراین پیروان او این عقاید را باید بدون پرس‌وجو از حقیقت و مستندانش قبول کنند و وارد مرحله‌ی قوانین پنج‌گانه یا هشت‌گانه شوند (بایرناس، ۱۳۸۷، صص ۱۸۹-۱۹۰).

با توجه به مطالب مطرح‌شده، نمودار الگوی ایثارگری تراز اول در آیین بودا را می‌توان چنین ترسیم نمود:



نمودار ۱: الگوی ایثارگری تراز اول در آیین بودا

۱. جان بایرناس در کتاب تاریخ جامع ادیان و ساتیش چاندریا چاترجی در کتاب معرفی مکتب‌های فلسفی هند در صفحه ۲۶۷ این نقد بزرگ را بر اندیشه‌های بودا وارد می‌دانند و به سردرگمی پیروان و شارحان بودا در فهم و تشریح باورهای او اقرار دارند.

نمودار نقدهای وارد بر راهبرد ایثار در آیین بودا نیز به شرح زیر است:



نمودار ۲: نقدهای راهبرد ایثار در آیین بودا

نتیجه‌گیری

بررسی باورها و آموزه‌های آیین بودا به خوبی نشان می‌دهد، تمرکز بر باور صلح‌طلبی و دوری از خشونت، حقایق چهارگانه و خصوصاً نقش ریشه‌ای تعلق و عطش انسان به منافع در ایجاد رنج‌های بشر و راهکار رهایی از رنج‌ها مبنی بر قلع و قمع همه‌جانبه تعلقات، در تعیین آموزه‌های بودا در مسائل مختلف تأثیر فراوانی داشته است. پیشوایان بودا نیز بر اساس همین دیدگاه در باب ایثار و پیشگامی در میدان نبرد، راهبرد انفعالی ترک مخاصمه همراه با تأمین خواسته‌های دشمن را به عنوان اصلی‌ترین راهبرد در برابر تهاجم و زیاده‌خواهی او معرفی کرده‌اند. این راهبرد با مبانی متعددی همچون باور به حقایق چهارگانه، بی‌اعتنایی به ماوراءالطبیعه و بی‌تأثیر بودن آن، کارما و لزوم رعایت اخلاق و دوری از خشونت و پشتیبانی و جزئیات عملی آن تبیین می‌شود. این شیوه ایثارگری در آیین بودا، از بعد اهداف غایی و معنوی نیز از اهدافی همچون رسیدن به کمالات اخلاقی و بزرگ‌منشی، رهایی از تعلق‌ها، وصول به نیروانا و رهایی از تناسخ پس از مرگ برخوردار است و ایثار منافع و تأمین خواسته‌های دشمن، به قصد دستیابی به اهداف غایی صورت می‌گیرد. آموزه‌های بودا شاخصه‌های موردانتظار

از ایثارگران را علاوه بر باورمندی عمیق به مبانی و اهداف مطرح شده، ارتباط عمیق با سه پناهگاه معلم و شریعت و انجمن بوداییان و التزام عملی به آموزه‌های اخلاقی بودا عنوان می‌کند.

تطبیق الگوی ایثارگری در بودا با آموزه‌های قرآن، نقدهای متعددی را در سطوح زیربنایی و روبنایی بر تعالیم او وارد می‌کند. اصلی‌ترین نقد قرآنی بر الگوی ایثار در بودا، نقد راهبرد صلح‌طلبانه و انفعالی در تقابل با متخاصم است. قرآن با رد تأثیرگذاری این راهبرد بر خاتمه‌بخشی تخصصی، آن را عامل افزایش زیاده‌خواهی‌های متخصص می‌شمارد و زیان‌های جبران‌ناپذیری را متوجه این تفکر می‌داند. در بعد مبانی و اهداف و شاخصه‌های ایثارگری در بودا نیز نقدهای متعددی وارد است؛ از جمله: الف) معیار توجه به منبع باورهای دینی و بررسی عمیق منادیان معنویت در دو آیه ۱۷ و ۱۸ سوره زمر و لزوم ارائه معجزات توسط هادیان به حقیقت؛ ب) محدودسازی ابعاد مختلف اخلاقی به کلیات صلح و دوری از خشونت و تنش؛ ج) منقطع دانستن دنیا از اراده و نصرت الهی؛ د) انسداد باب سؤال از چرایی توصیه‌های بودا برای پیروان و جست‌وجوگران حقیقت. به نظر می‌رسد، بررسی و گفت‌وگوی عقلی و منطقی در باب آموزه‌های اسلام و بودا، می‌تواند راهگشای بن‌بست‌های نظامی و دفاعی در آیین بودا باشد و با بررسی مسائل متنوعی همچون معیارهای شناخت حق در منازعات و لزوم حق‌طلبی و یاری مظلومان، راه برای همگرایی بین دو تمدن پیش‌ازپیش فراهم گردد.

ملاحظات اخلاقی:

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی





نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب (جمال الدین میردامادی، مصحح). دار الصادر.
 ابوطالبی، محمدصادق و همکاران (۱۳۸۱). دانش‌نامه دین: ادی گرت، بوداشناسی، چهار حقیقت شریف، روشن‌شدگی، هفت آسمان، (۱۵)۴، ۲۶۱-۲۷۹.
 بدری، صنم (۱۳۹۲). معنا و هدف زندگی از دیدگاه بودا و احادیث محمد(ص) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، مجتمع دانشگاهی ولیعصر]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
 توفیقی، حسین (۱۳۹۷). آشنایی با ادیان بزرگ. انتشارات سمت.
 جان، بایرناس (۱۳۸۷). تاریخ جامع ادیان (علی اصغر حکمت، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی.
 جبرائیلی، آرش (بی‌تا). آموزه‌های بودا. بی‌نا.
 جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). انتظار بشر از دین. انتشارات اسراء.
 جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). وحی و نبوت. انتشارات اسراء.
 چاترجی، ساتیش چاندرا و همکاران (۱۳۸۴). معرفی مکتب‌های فلسفی هند (فرناز ناظرزاده کرمانی، مترجم). مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۰). مفردات ألفاظ القرآن. دار القلم-الدار الشامیه.
 زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس (علی شیری، مصحح). نشر دار الفکر.
 سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۹۴). ادیان زنده جهان. کتاب طه.
 شایگان، داریوش (۱۳۶۲). ادیان و مکتب‌های فلسفی هند. امیرکبیر.
 شکوهی‌راد، جعفر (۱۳۹۱). رنج در اسلام و بودا [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی قم]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
 طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی.
 طبرسی، فضل بن محمد (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ناصرخسرو.
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. دار الکتب العلمیه.
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دار الکتب الاسلامیه.
 موسوی، محمدحسین (۱۳۹۲). رنج و شادی در اسلام و آیین بودا [رساله دکتری تخصصی، دانشگاه فردوسی مشهد]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
 مینگ، دو وی و همکاران (۱۳۸۸). آیین کنفسیوس، دانو و بودا (غلامرضا شیخ‌زین‌الدین، مترجم). فیروزه.
 نوری کوهبنانی، مجتبی (۱۴۰۳). رنج و ظرفیت‌های بهره‌برداری از آن در آیین بودا و اسلام [رساله دکتری تخصصی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
 هاشم‌پور، امیر (۱۴۰۰). بودا و مسئله متافیزیک [پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
 هوکینز، بردلی (۱۳۸۸). آیین بودا (محمدرضا بدیعی، مترجم). انتشارات امیرکبیر.
 هیوم، رابرت (۱۳۶۲). ادیان زنده جهان (عبدالرحیم گواهی، مترجم). نشر فرهنگ اسلامی.

John Bowker (1997). *The Oxford Dictionary of World Religions*. Oxford University Press.

Civilizational Convergence: An Analysis of Sacrifice and Jihad in the Teachings of Buddha and Their Qur'anic Critique (Strategies, Principles, Objectives, and Characteristics)

Hojjatollah Mehrabi ¹  Ebrahim Rezaei Adriyani ²  Mohsen Barghikar ³  Hamid Elahidoost ⁴ 


1. Lecturer, Department of Qur'an and Hadith, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

2. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Studies, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran.

3. Lecturer, School of Islamic Sciences and Teachings, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran

4. Assistant Professor of Jurisprudence and Principles, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: mehrabi@miu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361>

Introduction

The concept of sacrifice in the context of war has been a central theme throughout history in both religious and philosophical traditions, often reflecting the moral and spiritual values of each system. In Buddhism, sacrifice is rooted in the principles of non-violence and altruism, emphasizing avoidance of conflict through compassion and kindness. By contrast, the Qur'anic worldview offers a balanced approach that combines mercy and forgiveness with the necessity of defense under specific circumstances. This study seeks to examine and compare the foundations, objectives, and practical functions of sacrifice in both Buddhism and Islam, focusing on how their respective teachings frame ethical conduct in times of war. Through this comparative reading, the research aims to highlight points of convergence and divergence, showing how religious frameworks shape ethical perspectives on sacrifice and the morality of conflict.

Methodology

This research employs a descriptive–analytical method. First, Buddhist teachings are analyzed across three main domains: foundational principles (such as the Four Noble Truths and the law of karma), goals (such as altruism and non-violence), and key features (including compassionate behavior during conflict). Data were collected from primary Buddhist sources and reliable secondary literature. These findings were then critically assessed in light of Qur'anic teachings, particularly verses addressing jihad, defense, and the philosophy of suffering. Classical Islamic exegetical traditions, alongside modern interpretive approaches, were utilized to evaluate strengths and limitations of the Buddhist view of sacrifice. By combining textual analysis with conceptual critique, the study provides a balanced perspective, aiming at a deeper understanding of how these two traditions engage the question of sacrifice in war.

Findings

The comparative analysis reveals striking differences between Buddhist and Islamic conceptions of sacrifice, especially regarding their approaches to war. In Buddhism, the notion of sacrifice is profoundly shaped by the Four Noble Truths, which view suffering as a universal condition and identify ethical living and mental discipline as the path to liberation. The law of karma reinforces

this outlook, emphasizing consequences of actions and encouraging non-violent strategies even in situations of conflict. Sacrifice, in the Buddhist sense, is closely tied to altruistic behavior: compassion is prioritized over confrontation. A notable example is the Buddha's insistence on quelling the greed of enemies through generosity and forgiveness—a strategy aimed at dissolving hostility without recourse to violence. This orientation reflects Buddhism's overarching aim to reduce harm and cultivate compassion even toward adversaries.

Yet, when measured against Qur'anic teachings, limitations of this stance become apparent. The Qur'an articulates a broader and more multi-dimensional conception of sacrifice, encapsulated in the notion of jihad, which encompasses both spiritual striving and legitimate defense. Qur'anic verses stress compassion and forgiveness but also sanction defensive action when necessary (e.g., Qur'an 2:190-193). Unlike Buddhism's absolute commitment to non-violence, Islam establishes a principled balance between altruism and the real need for defense. The study shows that while Buddhism's devotion to non-violence is admirable, it remains insufficient in contexts where active resistance is required to prevent injustice.

Furthermore, the findings demonstrate that Buddhism's emphasis on individual liberation sometimes overlooks collective responsibilities, whereas Qur'anic teachings address both personal and communal dimensions of sacrifice. For instance, the Qur'anic philosophy of suffering interprets it as a divine test that may necessitate active resistance against oppression—contrasting with the more passive acceptance of suffering found in Buddhist thought. These differences underscore the fundamentally distinct ways in which the two traditions approach the ethics of war and defense.

Conclusion

This comparative study underscores the profound role religious traditions play in shaping ethical responses to war. The Buddhist model, centered on non-violence and altruism, offers a compelling framework for conflict resolution through compassion and forgiveness. Its focus on disarming the greed of adversaries through generosity reflects a deep moral commitment to peace and the alleviation of suffering. However, the study critiques this perspective for its inadequacy in situations where defensive action is indispensable, since an absolute prohibition of violence cannot always address the realities of war and injustice.

In contrast, the Qur'anic approach provides a more balanced and pragmatic model. By integrating mercy and forgiveness with the necessity of legitimate defense, the Qur'an conceptualizes sacrifice within jihad, encompassing both spiritual struggle and social responsibility. This synthesis ensures that Islamic teachings attend to individual spiritual growth while also fulfilling collective obligations, thus presenting a more comprehensive ethical framework for sacrifice in war.

Overall, while the Buddhist vision of non-violence remains ethically valuable, Islamic teachings demonstrate a more realistic and actionable paradigm, especially in contexts demanding active defense. These findings enrich our understanding of how religious traditions manage the interplay of sacrifice, morality, and warfare, and they open new avenues for exploring both historical applications and contemporary relevance of these principles.

Keywords

Buddhist teachings; civilizational convergence; Qur'an; critique of Buddhism; objectives of sacrifice in Buddhism; sacrifice in Buddhism.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics. The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

References

The Holy Qur'an.

[Aboutalebi, M., & colleagues. \(2002\). *Encyclopedia of religion: Buddhology, the Four Noble Truths, enlightenment. Seven Heavens*, 4\(15\), 261–279. \[In Persian\]](#)

Al-Ṭabrisī, Faḍl b. Muḥammad. (1993). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Naser Khosrow. [In Arabic]

Al-Zabīdī, M. (1993). *Tāj al-'arūs* (ed. 'A. Shīrī). Dar al-Fikr. [In Arabic]

[Badri, S. \(2013\). *Meaning and purpose of life from the perspective of Buddha and the Hadiths of Muhammad \(PBUH\)* \[Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Valiasr Campus\]. Iranian Scientific Information Database \(Ganj\). \[In Persian\]](#)

Bowker, J. (1997). *The Oxford dictionary of world religions*. Oxford University Press.

Chatterjee, S. C., & colleagues. (2005). *An introduction to the philosophical schools of India* (F. Nazerzadeh Kermani, Trans.). Center for the Study and Research of Religions and Denominations. [In Persian]

[Hashimpour, A. \(2021\). *Buddha and the problem of metaphysics* \[Master's thesis, Shahid Madani University of Azerbaijan\]. Iranian Scientific Information Database \(Ganj\). \[In Persian\]](#)

Hawkins, B. (2009). *Buddhism* (M. Badi'i, Trans.). Amir Kabir Publications. [In Persian]

Hume, R. (1983). *The world's living religions* (A. Govahi, Trans.). Nashr-e Farhang-e Eslami. [In Persian]

Ibn Manzūr, M. b. Mukarram. (1993). *Lisān al-'Arab* (ed. Jamal al-Din Mirdamadi). Dar al-Sader. [In Arabic]

Javadi Amoli, A. (2001). *Human expectation from religion*. Esra Publications. [In Persian]

Javadi Amoli, A. (2005). *Revelation and prophethood*. Esra Publications. [In Persian]

Jebraeili, A. (n.d.). *Teachings of Buddha*. N.p. [In Persian]

Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemuneh*. Dar al-Kutub al-Islamiyah. [In Persian]

Misbah Yazdi, M. T. (2012). *An outline of fundamental Islamic thought*. Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]

[Mousavi, M. H. \(2013\). *Suffering and joy in Islam and Buddhism* \[Doctoral dissertation, Ferdowsi University of Mashhad\]. Iranian Scientific Information Database \(Ganj\). \[In Persian\]](#)

Muṣṭafavī, H. (2009). *Al-tahqīq fī kalimāt al-Qur'ān al-karīm*. Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]

Noss, J. B. (2008). *A comprehensive history of religions* (A.-A. Hekmat, Trans.). Scientific and Cultural Publications. [In Persian]

[Nouri Kohbanani, M. \(2024\). *Suffering and its potentials in Buddhism and Islam* \[Doctoral dissertation, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom\]. Iranian Scientific Information Database \(Ganj\). \[In Persian\]](#)

Rāghib al-Iṣfahānī, H. b. Muḥammad. (2011). *Mufradāt alfāz al-Qur'ān*. Dar al-Qalam & al-Dar al-Shamiyya. [In Arabic]

Shayegan, D. (1983). *Religions and philosophical schools of India*. Amir Kabir. [In Persian]

[Shokouhi-Rad, J. \(2012\). *Suffering in Islam and Buddhism* \[Master's thesis, University of Islamic Sciences, Qom\]. Iranian Scientific Information Database \(Ganj\). \[In Persian\]](#)

Soleimani Ardestani, A. (2015). *Living religions of the world*. Taha Publications. [In Persian]

Ṭabāṭabā'ī, M. H. (1996). *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. Daftar-e Entesharat-e Eslami. [In Arabic]

Tofighi, H. (2018). *An introduction to the major religions*. SAMT Publications. [In Persian]

Tu, W.-M., & colleagues. (2009). *Confucianism, Daoism, and Buddhism* (Gh. Sheikh-Zeynoddin, Trans.). Firouzeh Publications. [In Persian]

How to cite:

Mehrabi, H., Rezaei Adriyani, E., Barghikar, M., & Elahidoost, H. (2025). Civilizational convergence: An analysis of sacrifice and jihad in the teachings of Buddha and their Qur'anic critique (strategies, principles, objectives, and characteristics). *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3), 71-94. <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361>

